

## حقوق تجارت

گردد - در این مورد ممکن است گفت که در مورد تنظیم ماده ۴۷ بیشتر این موضوع محط نظر بوده است که انتخاب مدیران و مفتشین با رضایت آنها باشد تا موجباتی فراهم نگردد که اشخاص بدون جلب رضایت بسبب مدیریت شرکت سهامی که متضمن مسؤلیت زیادی است انتخاب شوند - هر چند این نظر نسبت بمدیران که باید دارای سهام صلاحیت باشند عادلانه است ولی نسبت به مفتشین جنبه حفظ نزاکت آن بر سایر امور غلبه دارد با توجه بمواد ۳۶ و ۳۸ و ۳۹ و ۴۷ قانون تجارت ممکن است گفته شود که قانون تجارت در تشکیل شرکت بسیر دوره تکامل سه گانه طفولیت - صغر - بلوغ و رشد نظر داشته است و ماده ۳۶ ناظر بدوره طفولیت و ۳۸ و ۳۹ مربوط بزمان صغر و ۴۷ حاکی از اعلام رشد است ولی با توجه به آثار مواد مزبور چنین فرضی فقط از باب مزاح جائز خواهد بود.

اگر فرضاً عدّه را عقیده بر این باشد که شرکت بمحض تنظیم شرکت نامه بدنیا آمده و از نقطه نظر احراز شخصیت حقوقی تشکیل شده فرض شود که بتواند با دیگران وارد در تعهدات و قرارداد های مقدماتی گردد هر چند که حقاً عقیده مزبور مطلوب و پسندیده بنظر آید و طبق کلیات از حقوق مدنی و قوانین بعضی از ممالک بیگانه نشر تحریر شرکت نامه و امضاء آن از طرف شرکاء کافی برای ایجاد و تشکیل شرکت است و بهمین مناسبت مادام که سایر مقدمات فراهم نشده از تنظیم شرکت نامه خود داری میشود ولی ماده ۸۲ قانون تجارت که شرکتهای تجارتی از این حیث تابع آن میباشد مانع از قبول آن خواهند شد بنابراین صرف تنظیم شرکت نامه

که مدیر شرکت سهامی که مقررات یکی از مواد ۲۸ - ۲۹ - ۳۶ - ۳۷ - ۳۸ - ۳۹ - ۴۱ - ۴۴ - ۴۵ - ۴۶ - ۴۷ - ۵۰ این قانون را رعایت نکرده باشد از درجه اعتبار ساقط و بلااثر خواهد بود لکن شرکاء نمیتوانند در مقابل اشخاص خارج باین بطلان استناد نمایند - از مفاد ماده مزبور نتیجه این استفاده حاصل است که در صورت بطلان شرکت با توجه به آثار قهرائی بطلان نمیتوان اساساً شرکت را بصرف تنظیم شرکت نامه بدون رعایت سایر مقررات تشکیل شده فرض نمود تا بتوان سایر آثار قانونی را بر آن مترتب ساخت.

ماده ۴۷ نیز مقرر میدارد در صورتیکه مدیرها و مفتشین که از طرف مجمع عمومی انتخاب شده اند قبول انجام وظیفه نمایند قبولی آنها در صورت مجلس قید و شرکت از همان تاریخ تشکیل میگردد بموجب این ماده تاریخ تشکیل شرکت از زمان قبولی مدیران و مفتشین است و از مفهوم مخالف آن استفاده میشود مادام که مدیران و مفتشین انتخاب نشده و قبول انجام وظیفه نموده اند شرکت سهامی قانوناً تشکیل نمیشود و رعایت مواد ۳۶ و ۳۸ و ۳۹ بنهایی بدون ملحوظ داشتن مقررات ماده ۴۷ با توجه بماده ۸۲ که عدم رعایت ماده ۴۷ را از موجبات بطلان شرکت تشخیص داده است کافی برای تشکیل شرکت نخواهد بود.

ماده ۴۸ قانون تجارت قابل انتقاد است زیرا هر چند که انتخاب مدیران و مفتشین و قبولی آنها در انجام وظیفه از نقطه نظر اداری و تکمیل مراتب تشکیلاتی مؤثر فرض شود در تشکیل شرکت بین عدّه این اندازه اثر را ندارد تا تکمیل تشکیل شرکت موقوف و موکول بر آن

بدون رعایت سایر موارد مربوطه کافی برای تشکیل شرکت نخواهد بود.

بارعایت مقدمات و مشروحات فوق در زمینه تشکیل شرکت و توجه بماده ۸۲ قانون تجارت برای اجتناب از تعارض مواد مربوطه جمع بین آنها لازم و بالمآل این نتیجه حاصل است که مطابق قانون تجارت فعلی تکمیل تشکیل شرکت سهامی موکول و موقوف به حصول ۳ امر است:

- ۱ - تمهید تأدیه تمام سرمایه شرکت و تأدیه لااقل ثلث قیمت سهام و تحویل چیزی که در ازاء سهام غیر نقدی تمهید شده است.
- ۲ - انتخاب مدیران و مفتشین و قبولی آنها به انجام وظیفه.
- ۳ - تنظیم شرکت نامه.

پس از انجام مراتب سه گانه مزبور تشکیل شرکت سهامی قانوناً تکمیل است بنابراین در عمل در مواردیکه خود مؤسسين تمام سرمایه شرکت را تمهید و تأدیه نمایند و انجام مواد ۳۸ و ۳۹ را شخصاً عهده دار هستند مقتضی است که شرکتنامه و اساس نامه را برشته تحریر در آورده و طبق ماده ۴۰ و ۴۱ مجمع عمومی را دعوت و مدیران و مفتشین را انتخاب و قبولی آنها را نیز در صورت مجلس قید و شرکتنامه را در همان مجلس امضاء نمایند تا از اشکالات بعدی که ممکن است در نتیجه عدم رعایت مواد مزبوره حادث شود مصون باشد. در مواردیکه مؤسسين برای گرد آوردن سرمایه محتاج به مساعدت دیگران می باشند نیز رعایت ترتیب فوق برای حفظ حقوق آنها لازم بنظر میرسد. در هر صورت علاوه بر آنچه مذکور افتاد در موقع اقدام به تشکیل شرکت سهامی رعایت منطوق و مدلول ماده ۸۲ قانون تجارت واجب است و الا ممکن است موجبات بطلان شرکت و یا بطلان عملیات آن فراهم گردد.

از نقطه نظر سهولت در تشخیص زمان تشکیل

شرکت خیالی بجا خواهد بود که تکمیل تشکیل شرکت که منجر بحصول شخصیت حقوقی آن میشود موکول بثبت شرکت در دایره ثبت شرکتهای شود و برای تأمین رعایت سایر مقررات لازمه ممکن است مأمورین ثبت را از ثبت شرکتهایی که رعایت مقررات لازمه را ننموده منع و مؤسسين و شرکاء را در مقابل انحصار ثالث متضامناً مسئول دانست و در اغلب ممالک بیگانه این امر رعایت شده و تشکیل شرکت و حصول شخصیت حقوقی او را از تاریخ ثبت تشخیص داده اند و ماده ۵۸۴ قانون تجارت نیز این نظر را در باره تشکیلات و مؤسساتی که برای مقاصد غیر تجارتي تأسیس میشوند ممول داشته است و تعمیم ماده مزبور و تشریح آن بشرکتهای تجارتي نیز خیلی بجا و مورد خواهد بود.

### اداره و جریان امور شرکت سهامی

آنچه تا کنون در اطراف شرکتهای سهامی ذکر شده بعنوان مقدمه در طریقه ایجاد آن بوده است که بجه کیفیت این قبیل شرکتهای پیدا و تشکیل میشود و برای ذکر مطالب اساسی که مربوط بجریان امور شرکت و اداره آن است مجالس باقی نبوده است.

ضمن جریان و اداره تشکیلات معظمی مانند شرکت های سهامی که در حقیقت یک جریان طبیعی تجارتي است نکات دقیق و حساس حقوقی در هر یک از امور مربوطه به آن ظاهر میگردد که برخی را قانون قبلاً پیش بینی و مقررات خاصی نسبت بان وضع و تدوین نموده است و برخی دیگر تابع احکام کلی میباشد.

تحقیق در اطراف امور مزبور و مقررات مربوطه به آن موضوع رسیدگی از این بعد خواهد بود.